

The Position of Women in the Apocryphal Acts of Apostles from feminist perspective

Maryam al-sadat Siahpoosh¹ 

1, Corresponding Author, . Ph.D., Department of Religion and Mysticism, University of Islamic Azad, Science and Research Unit, Tehran, Iran. E-mail: maryam.siahpoosh.1371@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 18 June 2023

Received in revised form:
18 July 2023

Accepted: 29 July 2023

Published online:
6 August 2023

Keywords:

Feminist theology,
Christianity, Gender,
Apocryphal Acts of Apostles,
Bible.

ABSTRACT

Recently, in feminist studies, a new Field has been opened in the revision of religious texts and theology in a feminist perspective. Feminist theologians not only examine the canonical texts of religions, but also discuss texts that are not considered valid by the religious community today. In the Christian tradition, too, a fivefold collection called the Apocryphal of the Acts of the Apostles caught the attention of feminist theologians. These texts which are Written in the first three centuries of Christian history reflect the concerns of elites about the presence of women in the religious community, which contains unique points from other similar texts. The purpose of this study is to provide a clear view of the discourse ignored in the early years and the formation of canonical Christianity, thus according to other texts answering the question of whether, women in the first centuries of Christianity were constantly subjugated in the masculine structure or not. Therefore, in the present study, a descriptive-analytical method examines the personality of women in these texts from a feminist perspective and concludes that these texts portray women in two aspects: victim-hero. It is worth mentioning that both aspects should be discussed from different dimensions to reveal its unseen angles.

Cite this article: Siahpoosh, M. (2023). The Position of Women in the Apocryphal Acts of Apostles from feminist perspective. *Studies in Comparative Religion and Mysticism*, 7 (1), 178-196. DOI: 10.22111/jrm.2023.45560.1126



© The Author(s).
DOI: 10.22111/jrm.2023.45560.1126

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

جایگاه زنان در آپوکریفای اعمال رسولان از چشم اندازه زنانه نگر

مریم السادات سیاهپوش^۱

۱. نویسنده مسئول، دکتری تخصصی، گروه ادیان و عرفان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. رایانامه:

maryam.siahpoosh.1371@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۸</p> <p>تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۴/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۵/۷</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۵/۱۵</p> <p>واژه‌های کلیدی: الهیات فمینیستی، مسیحیت، جنسیت، آپوکریفای اعمال رسولان، کتاب مقدس.</p>	<p>اخیرا در مطالعات فمینیستی، بابی جدید برای بازنگری متون دینی و الهیات در چشم‌اندازی زنانه‌نگر گشوده شده است. الهیدانان فمینیست، در عین توجه به متون رسمی ادیان، به بحث درباره‌ی متونی می‌پردازند که از سوی جامعه‌ی دین‌دار، معتبر دانسته نمی‌شود. بدین سان در سنت مسیحی، مجموعه‌ای پنجگانه موسوم به آپوکریفای اعمال رسولان توجه الهیدانان فمینیست را به خود معطوف کرد. نگارش این متون را در سه سده نخست مسیحیت می‌دانند و در بیان دغدغه‌ی نخبگانی در خصوص نحوه‌ی حضور زنان در جامعه‌ی دینی، نکاتی منحصر به فرد و کاملا متفاوت با سایر متون مشابه را دربردارد. هدف از این پژوهش آن است که بتوان به تصویری روشن از گفتمان نادیده گرفته شده در سال‌های آغازین و شکل‌گیری مسیحیت رسمی رسید و بدین ترتیب به این پرسش پاسخ داد که آیا بر اساس متون دیگر، زنان در سده‌های نخستین مسیحیت پیوسته تحت انقیاد ساختار مردسالانه بوده‌اند یا خیر. از این رو، در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی شخصیت زنان مطرح شده در این متون از منظر فمینیستی پرداخته شده است و به این نتیجه دست می‌یابد که این متون زنان را در دو وجه قربانی - قهرمان به تصویر کشیده‌اند.</p>

استناد: نام خانوادگی، سیاهپوش، مریم السادات (۱۴۰۲). جایگاه زنان در آپوکریفای اعمال رسولان از چشم اندازه زنانه‌نگر. *مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی*،

DOI: 10.22111/jrm.2023.45560.11260

۷ (۱)، ۱۹۶-۱۷۸.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

در دهه‌های اخیر، بحث از بازنگری متن مقدس از منظری زنانه‌نگر، توجه الهیدانان فمینیست را به خود جلب کرده است. پیش از بیان هر نکته، نخست باید یادآور شد که به باور فیورنزا، الهیدان فمینیست برجسته، مطالعات تاریخی-انتقادی و تأملات هرمنوتیکی-کلامی نشان داده‌اند که نه تنها الهیات بلکه مکاشفه خداوند در کتاب مقدس به زبان بشر بیان شده‌اند و مفاهیم و مسائل شرطی شده فرهنگی را به اشتراک می‌گذارند. تمام تفسیرهای متون به پیش فرض‌ها، مفاهیم فکری، سیاست یا تعصبات مفسر و مورخ بستگی دارد. بنابراین، متفکران فمینیست خاطر نشان می‌کنند که برای مدت طولانی سنت مسیحی توسط متکلمان ضبط و مورد مطالعه قرار گرفت که آگاهانه یا ناآگاهانه آنها را از منظر مردسالاری سلطه مرد درک می‌کردند. بدین ترتیب، این دیدگاه فرهنگی مردمحور، تمام نوشتارهای الهیات و تاریخ را تعیین کرده است. بنابراین اگر زنان می‌خواهند با ریشه‌ها و سنت خودشان ارتباط برقرار کنند، باید سنت و الهیات مسیحی را به گونه‌ای بازنویسی کنند که نه تنها روایات مردانه بلکه روایات زنانه از طریق یک نقطه نظر فمینیستی ضبط و تحلیل شود (Fiorenza, 1975: 611). با این حال، برای پرهیز از دیدگاه جانب‌دارانه رویکردی باید اتخاذ شود که در بردارنده نگرشی جنسیت‌شمول¹ باشد.

الهیدانان فمینیست در این خصوص بر این نکته تأکید دارند که سلطه‌ی نوعی دوگانه‌انگاری بر روح متون مقدس قابل ملاحظه است. در این باره، باید خاطر نشان کرد که دوگانه‌گرایی که در آن مرد و زن بر اساس ذهن و جسم به دو دسته مجزا تقسیم‌بندی می‌شوند، منحصر به مسیحیت نیست. این نگرش، از زمان باستان در گفتمان فلسفه‌ی غرب وجود داشته است. به طوری که می‌توان رد و نشان آن را در اساطیر یونان و روم پیگیری کرد. تاریخ فلسفه سرشار از این دوگانه‌انگاری‌ها است، برای مثال می‌توان به مرد و زن، فرهنگ و طبیعت، عقل و عاطفه، ذهن و بدن، عمومی و خصوصی، تولید و بازتولید اشاره کرد. معمولاً در هر دوگانه‌ای، نوعی رتبه‌بندی وجود دارد که در آن مفهومی را که در رتبه‌ی بالاتر است به مردان و مفهومی را که رتبه‌ی پایین‌تر دارد به زنان نسبت می‌دهند. در این راستا، الهیدانان فمینیست به بررسی متون گوناگونی پرداختند که در سنت دینی نگاشته شده‌اند. در این میان، توجه ایشان به مجموعه‌ی پنجگانه‌ی آپوکریفای اعمال رسولان جلب شد که

¹ gender inclusive

مولفه‌های منحصر به فردی درباره‌ی جایگاه زنان را ارائه می‌داد. ایشان در نظر داشتند که گرچه این متون امروزه فاقد رسمیت در نظر گرفته می‌شوند، اما می‌توان به واسطه‌ی آنها از دغدغه‌ی بخشی از نخبگان آن روزگار آگاهی یافت. از این رو بحث و بررسی درباره‌ی این متون دارای ضرورت ویژه‌ای است تا بتوان از گفتمان مغفول مانده‌ی سده‌های نخستین مسیحیت درباره‌ی زنان پرده برداشت. در این خصوص، پژوهش‌هایی به زبان انگلیسی صورت پذیرفته‌اند که در مقاله پیش‌رو از آنها نیز بهره‌گرفته شده است. از آنجایی که نه تنها درباره‌ی آپوکریفای اعمال رسولان، بلکه در خصوص نگرش فمینیستی به مضامین این متون پیشینه‌ی قابل ملاحظه‌ای به زبان فارسی دستیاب نیست، می‌توان این مقاله را به مثابه برداشتن گامی دیگر در مسیر الهیات فمینیستی دانست.

۱- زنان در آپوکریفای اعمال رسولان

نخست درباره‌ی متون آپوکریفا چنین می‌توان گفت که در سنت مسیحی متونی با شباهت به متون عهد جدید نگاشته شدند. این متون که غالباً مربوط به دوره‌ی زمانی قرن اول تا چهارم میلادی می‌شوند، توسط افراد مختلف در مناطق متفاوتی به رشته‌ی تحریر درآمدند. ترجمه‌ی برخی از این آثار به زبان‌های مختلف در آن روزگار نشان از محبوبیت آنها نزد نخبگان یا بخش زیادی از مردم دارد. همچنین، برخی از این متون در دوره‌هایی و مناطقی از اعتبار کتب قانونی برخوردار بودند اما نتوانستند این اعتبار را برای مدت طولانی حفظ کنند. نام برخی از این قطعات ناشناخته است، گویی از اناجیلی هستند که مورد استفاده‌ی مسیحیان یهودی قرار گرفته بوده‌اند مانند انجیل عبرانیان. همچنین برخی دیگر اناجیل طفولیت هستند که به وقایع تولد و کودکی عیسی پرداخته‌اند. اگرچه این متون را فاقد اعتبار اناجیل لحاظ کرده‌اند، پژوهشگران مایل هستند به بررسی آنها در مقام متون بیانگر سنت نخستین مسیحی بپردازند (Allison, 2005: 119).

در میان متون موسوم به آپوکریفا، آپوکریفای اعمال رسولان از شهرت بسزایی برخوردار است. در سه سده‌ی نخست مسیحیت، متون بسیاری منسوب به رسولان عیسی مسیح نگاشته شدند که شامل آپوکریفای اعمال رسولان نیز می‌شوند. پژوهشگران تا کنون نتوانسته‌اند آغازگاه این متون را بیابند و به باور آنها به نظر نمی‌رسد که خاستگاه این متون از یک منطقه و در یک زمان بوده باشد چراکه اصل آنها به زبان‌های قبطی و سریانی نگاشته شده است. از سوی دیگر، نکته‌ی درخور توجه آن است که اگرچه این متون حاوی مولفه‌هایی دال بر خاستگاهی مشترک هستند، به نظر پژوهشگران هر

یک از این نوشته های منسوب به این رسولان ویژگی منحصر به فردی را داراست که در دیگر نوشته ها به چشم نمی خورد (Klijin, 1983: 194). بنابراین باید هنگام مطالعه‌ی آپوکریفای اعمال رسولان، این نکته‌ی مهم را به یاد سپرد.

همانطور که گفته شد، با اینکه متون آپوکریفا به لحاظ اثرگذاری کمتر از متون رسمی عهد جدید مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما برای بررسی ارزشمند دانسته می‌شوند. این متون، منعکس کننده‌ی باور متفکران آن جامعه است و از این رو می‌توان نگرش ایشان را درباره‌ی زنان دریافت که چون در قالب شخصیت زنانی که با رسولان همراه بوده‌اند، مطرح شده است، بی‌شک بیانگر نگرش مردم آن جامعه از جایگاه زنان در تثبیت مسیحیت بوده است. همچنین، به نظر می‌رسد که این نویسندگان به مخاطبان زن نیز توجه داشته‌اند و بر آن بوده‌اند که زنان را نسبت به نوشتار خود با معرفی قهرمانان زن ترغیب کنند. بنابراین، ضروری است که برای بررسی جایگاه زنان در متون آپوکریفا، به بررسی چند مورد پرداخته شود که بیش از هر متن آپوکریفای دیگری به موضوع زنان پرداخته‌اند، یعنی آپوکریفای اعمال رسولان که از این قرار هستند: آپوکریفای اعمال یوحنا، آپوکریفای اعمال پطرس، اعمال پولس و آپوکریفای اعمال توما. این چند متن توجه بسیاری از محققان فمینیست را به دلیل اهمیت جایگاه زنان در آنها به خود جلب کرد و در حدود دهه‌ی ۱۹۸۰ این پژوهشگران کار تحقیقاتی خود را با رویکرد فمینیستی بر روی این متون آغاز کردند. برخی بر این باورند که آپوکریفای اعمال رسولان توسط زنان به تصویر کشیده و خوانده شده است. برخی دیگر منشا این متون را به سنت شفاهی زنانه‌ی مخالف نظام مردسالاری برمی‌گردانند. با این حال، برخی دیگر نیز ابراز داشته‌اند که بعید به نظر می‌رسد این داستان‌ها برگرفته از یک جامعه‌ی زنانه بوده باشد (Bremmer, 2006: 77). به هر روی، نمی‌توان ارزش بررسی جایگاه زنان در این متون را انکار کرد و از آنجایی که این متون در زمانی نگارش یافته‌اند که ساختار نهاد کلیسا در حال شکل‌گیری بوده است، نگارش و نشر این متون به نوعی تلاش جامعه‌ی مسیحی جهت پرهیز از تسلط یک جریان غالب مردانه بر این نهاد را نشان می‌دهد، از این رو، ضروری است که با بیان محتوای هر متن در خصوص شخصیت‌های زن، به بحث درباره‌ی آن از چشم‌انداز الهیات فمینیستی پرداخته شود که در سه محور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-مباحث اصلی در خصوص زنان: قهرمان یا قربانی؟

هنگام بررسی این متون می‌توان ملاحظه کرد که برخی مباحث میان آنها مشترک و در حال تکرار است. تاکید بر ایمان زنانه و برعهده گرفتن نقشی مانند رسولان، برخورداری از قوه‌ی اختیار و داشتن استقلال در عمل، نفی رابطه‌ی جنسی و مذمت فرزند آوری از مهمترین مباحث مطرح شده در این آثار است. گرچه این ویژگی‌ها در هر یک از شخصیت‌ها غالباً دارای همپوشانی هستند، اما می‌توان یک ویژگی را به نحو برجسته‌تری در هر کدام از زنان مطرح در آپوکریفای اعمال رسولان یافت از این رو ضروری است که با توجه به محتوای متون، هر کدام از این مباحث به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و نگرش فمینیستی در خصوص آنها بیان شود.

۲-۱- ایمان زنانه و نقش رسولانه

نخستین ویژگی جالب توجه در آپوکریفای اعمال رسولان، توجه به نقش زنان در مقام یک رسول است. بر این اساس، زنان نه تنها می‌توانند همچون رسولان مرد تعمیم یابند، بلکه دیگر مسئولیت‌های یک رسول را نیز عهده‌دار شوند. آنها به واسطه‌ی ایمان قوی خود، چه با همراهی رسولان مرد و چه بدون آنها، دارای توانایی تعمیم دیگران، شفای بیماران و بشارت دادن به مردم هستند. سه شخصیت مهم زن که این ویژگی‌ها را نمایان می‌سازند عبارتند از: تکلا^۲، میگدونیا^۳ و کلئوپاترا^۴.

۲-۱-۱- تکلا

این داستان که تمام آپوکریفای اعمال پولس را به خود اختصاص داده است، درباره‌ی دختری به نام تکلا است که شهر قونیه در همسایگی محلی که پولس در آنجا به تبلیغ می‌پرداخت، از دور به سخنان پولس گوش فرامی‌داد. از آنجایی که تکلا نامزد شده بود، مادرش نگران این تغییر روحیه‌ی او بود. از این رو نامزد دخترش، تامیریس^۵ را آگاه ساخت. تامیریس نیز با دیدن اوضاعی که دیگر نمی‌توانست تکلا را تحت تاثیر خود قرار بدهد، تصمیم گرفت تا پولس را به جرم اغوا کردن مردم تغییر دینشان به مسیحیت متهم و محکوم به قتل کند و او را این چنین به زندان افکند. در آنجا تکلا

^۲ Thecla

^۳ Mygdonia

^۴ Cleopatra

^۵ Thamyris

به ملاقات پولس رفت و هنگامی که مردم متوجه موضوع شدند، پولس را به شلاق و رانده شدن از شهر و تکلا را به سوزانده شدن در آتش محکوم کردند. نه تنها پسران و دختران جوان در برپایی آتش همکاری کردند، بلکه مادر تکلا نیز از این اقدام حمایت کرد. اما به اذن خدا شعله‌های آتش آسیمی به تکلا نرزد و پس از معجزاتی مانند طوفان و زمین‌لرزه، او از این ماجرا رها شد. در این زمان، او از پولس خواست که تعمیر یابد و از همراهان او باشد. با اینکه پولس همراهی او را پذیرفت، اما درباره‌ی تعمیر او دچار تردید شد و این کار را نکرد.

هنگامی که به انطاکیه رسیدند، اسکندر قصد کرد که تکلا را تصاحب کند. ابتدا از پولس پرسید که آیا تکلا تحت قیمومیت او است؟ پولس این را انکار کرد و تکلا پاسخ داد که او تحت پشتیبانی خداست و در میان زنان جایگاه برجسته‌ای دارد. همچنین در متن آمده است که تکلا با اسکندر برخورد فیزیکی کرد. تکلا به دلیل این عمل محکوم شد ولی تنها درخواستی که داشت این بود که باکرگی‌اش حفظ شود و درخواست او پذیرفته شد. او به خانه‌ی ملکه تریفائنا^۶ برده شد تا شب را در آنجا سپری کند و فردا در مقابل حیوانات وحشی قرار گیرد. ملکه در خواب دخترش را دید که از او می‌خواست تکلا برایش دعا کند و به این ترتیب، پس از گفتگویی، اعتماد ملکه نسبت به تکلا جلب شد. روز بعد که تکلا به محل محکومیت برده شد، معجزات مختلفی رخ داد تا او را از گزند حیوانات در امان نگاه دارد. در یکی از این اتفاقات، او خود را به درون برکه‌ای پر از اسب آبی انداخت و خود را تعمیر داد. با دیدن آن اتفاقات ملکه بی‌هوش شد و مراسم پایان یافت. فرماندار دستور داد که تکلا آزاد شود و از او پرسید که حامی او چه کسی است؟ تکلا همانطور که در ابتدا گفته بود، پاسخ داد که حامی او خداوند است و او بنده‌ی خداست. پس از چند روز که تکلا همراه ملکه ماند و آموزه‌های مسیحیت را به مردم ارائه داد، لباس مردانه پوشیده و در صدد یافتن پولس برآمد. هنگامی که او را پیدا و اتفاقاتی که افتاده را برایش بازگو کرد، پولس پذیرفت که او نیز به تبلیغ بپردازد (Schneemelcher, Kasser, 2003: 239-246).

برخلاف نظر برخی پژوهشگران، اینگونه نیست که در اعمال پولس تمامی زنان نقش مثبت و تمامی مردان نقش منفی داشته‌اند. همانطور که قابل ملاحظه است، مادر تکلا بود که از سوزاندن او

^۶ Tryphaena

در آتش حمایت کرد. همچنین دختران جوان برای برپایی آتش هیزم جمع کردند. در مقابل مردانی با نقش مثبت نیز در داستان حضور داشته‌اند. مانند مردی که به همراه پسرانش مکانی برای تبلیغ پولس فراهم آوردند و از او پذیرایی کردند. (Ng, 2004: 2-3)

پیش از بررسی جایگاه تکلا از منظر فمینیستی، لازم است به نکاتی اشاره شود که مارلین لگیت^۷ در خصوص اهمیت این شخصیت در سده‌های نخست مسیحی بدان پرداخته است: «برخی گفته‌اند که داستان تکلا را یک زن نوشته است. فارغ از درستی یا نادرستی این حرف، این داستان می‌تواند برخاسته از سنت ادبیات شفاهی باشد که از یونان باستان ریشه می‌گیرد. شاید تکلا اصلاً وجود نداشته، اما در طول هزاره‌ی نخست تاریخ مسیحیت هیچکس در صحت وجود او تردید نداشت. او را همچون قدیس تکریم می‌کردند و حتی گاه حواری‌اش می‌خواندند. او در آسیای صغیر پیروان زیادی داشت و تعجبی ندارد که به خصوص محبوب زنان بود. در پایان قرن دوم میلادی، اسقف تروتولیان شکایت از این داشت که برخی زنان از الگوی تکلا برای تعلیم و غسل تعمید خود پیروی می‌کردند. ربط یافتن این داستان با پولس آزاردهنده است، زیرا درافسانه او تکلا را مامور تعلیم دادن به مردم می‌کند، اما در رساله‌اش زنان را امر به سکوت کرده است.» (لگیت، ۱۴۰۰، ص. ۴۵).

اکنون باید به بررسی جایگاه تکلا در این اثر پرداخته شود. در میان کتب آپوکریفای اعمال رسولان، تنها عنوان این کتاب است که نام یک زن در کنار نام یک رسول به کار برده شده است. آنچه از منظر فمینیستی بیش از هرچه در این داستان جلب توجه می‌کند، آن است که تکلا در طول داستان در حال طی کردن روندی است که از یک دختر وابسته و منفعل، به شخصیتی مستقل تبدیل شد که به تنهایی از پس مشکلات برآمد و حتی پولس را شگفت‌زده کرد. ارزش این موضوع زمانی مشخص شد که جز در شروع ماجرا، پولس دیگر حمایتی از او نکرد و تکلا پس از دریافت بشارت، هنگامی که خانواده، دارایی و امنیت خود را از دست داده بود، به تنهایی با ایمانی که داشت از شرایط دشوار عبور کرد و نشان داد که شایسته‌ی امر تبلیغ و تعلیم همچون مردان رسول است. این مطلب، به زنان الگویی ارائه می‌دهد که از طریق آن می‌توانند نسبت به توانایی خود، آگاهی داشته باشند و با اعتماد به نفس از پس مشکلات برآیند. همچنین، با توجه به اینکه به نظر می‌رسد در آن جامعه

⁷ Marlene LeGates

هر زنی باید تحت لوای مردی باشد، هنگامی که اسکندر قصد تصاحب او را داشت، پس از اطمینان یافتن از اینکه پولس قیم او نیست، تکلا شجاعانه خود را بنده‌ی خدا خواند و به این نحو آزادی زبانه‌ی خویش را ابراز کرد. او با اینکه به لحاظ قدرت و نیرو از اسکندر ضعیف‌تر بود، اما اجازه نداد به او ظلم شود و با جسارت تمام مقابل ستمی که به او روا داشته می‌شد ایستادگی کرد. نباید از این نکته نیز غافل شد که خداوند برای نجات او قدرت الهی خود را در هر مرحله به کار گرفت، زیرا تکلا زنی شایسته و مومن بود. این شخصیت به زنان مخاطب خود می‌آموزد که با ایمان به خدا چگونه می‌توان مقاومت کرد، استقلال داشت و حتی مورد اعجاز خداوند قرار گرفت.

یک نکته‌ی مهم دیگر در مورد تکلا آن است که او زیر بار ازدواج یا رابطه‌ای اجباری نرفت و خود مستقلانه درباره‌ی زندگی شخصی‌اش تصمیم گرفت. به نظر می‌رسد که در جامعه‌ی یونانی‌مآب رومی آن زمان، این موضوع که ازدواجی از سوی یک زن بر هم بخورد، ناشایسته‌تر بوده است تا اینکه از سوی مردی تمایل نباشد. تکلا می‌خواست بر بدن خود سلطه داشته باشد، نه اینکه دیگران درباره‌ی برقراری رابطه‌ی جنسی او تصمیم بگیرند. حتی هنگامی که در برخورد با اسکندر پولس او را تنها گذاشت، تصمیم تکلا مبنی بر باکره ماندنش از سوی خداوند مورد حمایت قرار گرفت. (When, 2001: 162-163). گویا این موضوع اصلی آپوکریفای اعمال رسولان است که زنان باید خود بر بدن خود سلطه داشته و در امر رابطه‌ی جنسی مستقل باشند که در نهایت این موضوع در آپوکریفای اعمال پولس به اوج خود می‌رسد.

این مسئله نیز بسیار جالب توجه است که به نظر می‌رسد آپوکریفای اعمال پولس و تکلا در جامعه بسیار اثرگذار بوده است. چراکه ترتولیان در اثری درباره‌ی غسل تعمید به این موضوع نیز پرداخته است. او در پاسخ به کسانی که خواهان امر تبلیغ و تعلیم توسط زنان با تمسک به این متن بوده‌اند، بیان کرده که این متن توسط کشیش سرپرست کلیسایی نگاشته شده است که علاقه‌ی وافری به شخص پولس داشته و از این رو، در تلاش بوده است که شهرت او را افزایش دهد. ولی پس از نگارش این متن، محکوم و از سمتی که داشت، برکنار شد. به نظر می‌رسد که مومنان مسیحی از این اثر برای مقاومت در برابر یک نهاد مقدس مردانه که در حال تثبیت بود بهره می‌جستند (Matthews, 2001: 43-44).

شخصیت زن دیگری که پس از تکلا توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است، ملکه تریفائنا نام دارد. گویی او نقش مادری را برای تکلا ایفا کرد که در این داستان مادر واقعی تکلا از آن شانه خالی کرده بود. چنانکه در متن آمده، دختر ملکه به خواب مادرش آمد و بر آن بود که تکلا برای او دعا کند، به این ترتیب گویی تکلا جای دختر را برای این مادر پر کرد. در این متن، تصویری مثبت از زنان حامی نشان داده می‌شود که به عنوان الگو برای زنان مومن مسیحی در نظر گرفته شده‌اند. تریفائنا به هر طریقی که می‌توانست دلسوزانه به پشتیبانی تکلا می‌پرداخت و در نهایت با بیهوش شدنش که به عقیده‌ی بسیاری ساختگی بوده است، او را نجات داد. در نهایت نیز مال فراوانی به تکلا داد تا او بتواند مستقلانه زندگی کند. (Misset-van de Weg, 1996: 16-17&29-30). این مطلبی است که به زنان این باور را می‌دهد، اگر مردان در کنار آنها نباشند، خودشان می‌توانند از یکدیگر حمایت کنند.

۲-۱-۲- میگدونیا

شاید بتوان ادعا کرد، مهمترین زنی که نقشی کلیدی را در اعمال توما ایفا کرده است، میگدونیا باشد. او همسر وزیر بود و نسبت به شنیدن سخنان توما علاقه نشان می‌داد. هنگامی که به همراه خدمتگزارانش به محل تبلیغ رفتند، مردم عادی را با خشونت کنار زد تا خود را به آن محل نزدیک کند. توما نسبت به این رفتار متکبرانه واکنش نشان داد و به خدمتگزاران او برکت بخشید. میگدونیا که به شدت متأثر شده بود، خود را به پای توما انداخت و پس آنکه زیورآلاتش را درآورد، توما به او گفت که از رابطه با همسرش بپرهیزد. هنگامی که همسرش به خانه آمد متوجه تغییر رفتار او با خود شد. پادشاه از ماجرا باخبر گشت و توما به زندان افکنده شد ولی همسر وزیر همچنان به عشق خود نسبت به مسیح پافشاری می‌کرد. سرانجام، میگدونیا با پرداخت رشوه‌ای به زندانبان، توما را به خانه آورد تا توسط او غسل تعمید بگیرد. در این میان، پرستار او نیز با شنیدن صدای آسمانی ایمان آورد. هنگامی که وزیر اصرار همسرش را دید، تقاضای مرگ توما را کرد. از این رو، پادشاه توما را مجبور ساخت که میگدونیا را به بازگشت به همسرش ترغیب کند، اما او چنین نکرد. با گرویدن همسر پادشاه، پادشاه و وزیر فشار بیشتری به توما آوردند. در آن شرایط دشوار، پسر پادشاه نیز ایمان آورد و از توما خواست که همسرش را شفا دهد. توما با کمک میگدونیا و تریتا به خانه‌ی پسر پادشاه رفت

و میگردانا همسر او را تدهین کرد و توما زن و شوهر را تعمد داد. در نهایت، پس از تمامی این اتفاقات توما شهید شد (Strain, 2013: 371-405).

در این داستان، میگردونیا به طرز شگفت‌آوری به یک‌باره تغییر رویه داد و از یک زن خودخواه و متکبر، به زنی تبدیل شد که دارایی خود را می‌بخشد. این موضوع که توما خود شخصا او را تعمد داد نگرش راوی را بیان می‌کند که بر اساس آن، تومای رسول به درستی ایمان زنان به اندازه‌ی مردان اطمینان کافی داشته است. عمق ایمان در وی کاملا نمایان است، چراکه او محکم بر ایمان خود ماند حتی هنگامی که خود توما از او خواست که به شوهرش برگردد او پاسخ منفی داد و به نحوی توما را سرزنش کرد. ایمان او به قدری تاثیرگذار است که زنان اطراف او از جمله پرستار و زن پادشاه را نیز به پا گذاشتن در این راه تشویق کرد. تغییر دین این زنان که جایگاه بالایی در آن جامعه داشته‌اند، آشوبی در دربار ایجاد کرده و نشان می‌دهد که توما تا چه اندازه در امر تبلیغ موفق بوده است. در نهایت، متن بیان می‌دارد که میگردونیا به اندازه‌ای از لحاظ معنوی رشد کرده بود که می‌توانست همسر پسر پادشاه را شخصا تدهین کند و این امر از نظر فمینیستی اهمیت بسیاری دارد چراکه بیانگر نقش رسولانه‌ی میگردونیا است.

۲-۱-۳- کلئوپاترا

در آپوکریفای اعمال یوحنا آمده است، هنگامی که او وارد شهر افسوس شد، مردی بی‌تابانه به سراغ او آمد و در حالی که به پای او افتاد، از مکاشفه‌اش گفت که در آن دریافته بود یوحنا می‌تواند همسرش، کلئوپاترا، را که از چند روز گذشته دچار بیماری شده است را شفا دهد. یوحنا به همراه او به خانه‌اش رفت و هنگامی که وارد شد زن را مرده می‌یابند. مرد از شدت ناراحتی فریادی زد و همان لحظه جان سپارد. یوحنا در مقابل چشم مردم با لمس کردن صورت زن او را شفا داد. سپس به همراه کلئوپاترا نزد مرد رفته و از آن زن خواست که با صدای بلند با شوهرش صحبت کند و از او بخواهد که برخیزد. کلئوپاترا چنین کرد و بلافاصله با این عمل او همسرش زنده شد (Schaferdiek, 2003: 174-175).

شاید بتوان گفت که مهمترین نکته از دیدگاه فمینیستی در این داستان، این باشد که یوحنا توانایی زنده کردن مردگان را به کلئوپاترا انتقال داد و به او آموخت چگونه شوهر خود را از مرگ برگرداند. این مورد در اناجیل رسمی سابقه نداشته است و رسولان تنها با قدرت عیسی مسیح مردگان

را زنده می‌کردند (Bolyki, 1995: 19). در این روایت می‌توان مشاهده کرد که از نظر راوی، زنان هنگامی که ایمان بیاورند توانایی انتقال قدرت الهی و اعجاز را همچون رسولان مرد دارند. نکته‌ی بعدی، رفتار استوار و محکم کلثوپاترا است که مورد توجه روایتگر قرار می‌گیرد. او بر خلاف شوهرش که بی‌تابی می‌کرد و هنگامی که دریافت کلثوپاترا از دنیا رفته است، خود نیز جان سپرد، کلثوپاترا اندوه خود را مهار کرده و آن را بروز نداد. در نهایت، صراحتاً در متن بیان شد که شخص کلثوپاترا دیگر به اعمال مشرکانه رو نیاورد. این تصریح واضح نشان می‌دهد که ایمان کلثوپاترا نسبت به عیسی مسیح، از نظر نویسنده‌ی داستان قوی‌تر از همسرش بوده است (Bremner, 1995:41). بنابراین، دو ویژگی شخصیتی کلثوپاترا برای مخاطبان می‌تواند الگویی فوق‌العاده ارائه دهد: زنان دارای توانایی مهار احساسات خود هستند و همچنین امکان داشتن ایمانی مستحکم به نسبت مردان را دارند.

۲-۲- اختیار و استقلال در عمل

این ویژگی را می‌توان در زنانی که در دسته‌ی قبل مورد بحث قرار گرفتند، به ویژه تکلا، یافت. به نظر می‌رسد نویسندگان آپوکریفای اعمال رسولان (به جز پطرس که در بخش بعد به آن خواهیم پرداخت) بیش از هر متن دیگری در تاریخ صدر مسیحیت بر عملکرد مختارانه‌ی زنان تأکید کرده باشند. این امر زمانی اهمیت می‌یابد که توجه شود چنانکه در این داستان‌ها روایت شده است، زنان در آن روزگار عموماً تحت قیمومیت والدین یا همسر خود بوده‌اند. از این رو، همسر یا پدر ایشان مسئولیت تصمیم‌گیری امورات زندگی زنان را بر عهده داشتند. اما این زنان به واسطه‌ی ایمان قوی خود قدرت ایستادن مقابل خواست مردانه را یافته و بر داشتن اختیار و استقلال در عمل خود تأکید می‌کنند. زنانی که این ویژگی را به نحو بارزی از خود نشان داده‌اند، عبارتند از: ماکسیمیلیا^۸ و دروزیانا^۹.

۲-۲-۱- ماکسیمیلیا

در اعمال آندریاس آمده است، هنگامی که آندریاس در پاتراس اقامت داشت، افرادی به دعوت او پاسخ گفتند و مسیحی شدند. در میان این افراد، ماکسیمیلیا، همسر یکی از سران حکومتی به نام

^۸ Maximilla

^۹ Drusiana

آگیتس (Aegeates) بود. زمانی که آگیتس پس از یک سفر طولانی به خانه بازگشت، دریافت که ماکسیمیلیا از برقراری رابطه‌ی جنسی خودداری می‌کند. ابتدا آگیتس تلاش کرد تا رضایت ماکسیمیلیا را جلب کند ولی موفق نشد. او از زبان یکی از خدمتکاران شنید که ماکسیمیلیا تحت تاثیر آموزه‌های آندریاس قرار گرفته است و به این ترتیب آندریاس را به زندان افکندند. با این حال، در این زمان نیز ماکسیمیلیا به طور پنهانی آندریاس را ملاقات می‌کرد. در نهایت، پس از آزار و شکنجه‌ی آندریاس، او را به صلیب کشیدند ولی مردم به حمایت از آندریاس برخاستند. آگیتس سرانجام رضایت داد تا او را آزاد سازد اما خود آندریاس تمایل داشت که مانند عیسی مسیح قربانی شود. در پایان، ماکسیمیلیا بر ایمان خود به طور راسخی ماند و آگیتس ناامیدانه خودکشی کرد. (Priour, Schneemelcher, 2003: 135_ 151)

شخصیت اصلی زن این داستان، یک قهرمان دینی با قدرت اختیار بالا است. او پس از شنیدن سخنان آندریاس به مسیحیت گروید و مصرانه بر ایمان خود ماند. اهمیت این موضوع هنگامی روشن می‌گردد که ماکسیمیلیا به عنوان همسر یکی از بزرگان، از وجهه اجتماعی خوبی برخوردار بوده با ایمان آوردن خود، از تمامی مسائل دنیوی که در اختیار داشته چشم پوشیده است. او حتی پس از مرگ آندریاس نسبت به موضعی که اتخاذ کرد سرسختانه ماند به طوری که همسرش از شدت ناامیدی خودکشی کرد. راوی این داستان در تلاش است که نشان دهد، این تفاوتی است که ایمان در دو انسان ایجاد می‌کند؛ یک زن با ایمان که در عقیده محکم و راسخ است و مردی که گرفتار شک و تردید و ناامیدی است. علاوه بر این، برخورد آندریاس در مواجهه با یک زن جالب است. او با اینکه از خطر تغییر دین دادن چنین زنی آگاه بود، اما این امر را آنچنان دارای ارزش می‌دانست که جان خود را در این راه فدا کرد.

۲-۲-۲- دروزیانا

مهمترین شخصیت زنی در که در اعمال یوحنا مورد توجه است، دروزیانا نام دارد. او یک زن مسیحی بود که پس از اینکه همسرش را به کیش مسیحی درآورد، او را واداشت که با زنش همچون خواهرش برخورد کند و از این رو، زن و شوهر، هر دو، تجرد پیشه کردند. از قضا، یکی از نجبای

افسوس به نام کالیماخوس^{۱۰} دل‌باخته‌ی دروزیانا شد. دروزیانا نیز برای آنکه از پیشنهاد کالیماخوس سر باز زند، از خدا خواست که بمیرد و خدا دعای او را اجابت کرد. پس از مرگ دروزیانا، کالیماخوس به قصد تجاوز به جسد دروزیانا وارد مقبره شد اما به اذن الهی توسط ماری گزیده شده و مرد. مدتی بعد همسر دروزیانا و یوحنا وارد مقبره شدند، یوحنا هر سه جنازه را زنده کرد. در پی این ماجرا، کالیماخوس فوراً به خدا ایمان آورد و مسیحی شد (Schaferdiek, 2003: 194_201).

نخستین موضوعی که در این داستان جلب توجه می‌کند، دیدگاه اخلاقی - جنسی است که به صورت افراطی توسط افراد ابراز شد. دو مرد، هر کدام جنبه‌ای افراطی در برخورد با جنس مخالف خود را پیش گرفتند. یکی از آنها، با اینکه ازدواج در فهم رسولانه از دین مذموم نیست، به همسرش به چشم خواهر نگاه می‌کرد و دیگری به زنی که برایش ممنوعه بود دل باخت و با روشی غیراخلاقی (تجاوز به بدن مرده‌اش) رفتار ناشایستی از خود نشان داد (Bolyki, 1995: 31).

موضوع دیگری که در این داستان شایسته‌ی توجه است، قدرت دروزیانا است که می‌توان در عملکردش آن را مشاهده کرد. دروزیانا گرچه از سوی عاشقش مورد فشار قرار گرفت، اما به هیچ عنوان شخصیت منفعلی نداشت. او نمی‌گذاشت زندگی شخصی‌اش تحت تاثیر خواسته‌های دیگران قرار بگیرد. پس از تغییر دین، هنگامی که میل به مجرد داشت، توانست این موضوع را به همسر خود بقبولاند و او را با خود همراه سازد. پس از آن، در مواجهه با مردی که به عشقش نسبت به او پافشاری می‌کرد، حاضر بود زنده نباشد اما به خواسته‌ی او تن ندهد. این موارد بیانگر شخصیت مستقل و دارای قدرت دروزیانا است که به عنوان یک قهرمان در داستان اعمال یوحنا بیان می‌شود و الگویی را در اختیار خوانندگان زن مسیحی قرار می‌دهد. این داستان، زنان را به استقلال در تصمیم‌گیری‌هایشان و تلاش برای رسیدن به اهدافشان فرامی‌خواند.

۲-۳- افراط در نفی رابطه‌ی جنسی و مذمت فرزندآوری

در تمامی روایات ذکر شده در آپوکریفای اعمال رسولان، می‌توان نگرش منفی به رابطه‌ی جنسی و فرزندآوری را به صورت جدی ملاحظه کرد. با این حال، دو نکته در روایات ذکر شده دارای اهمیت است: نخست، این خود زنان بوده‌اند که با اختیار خود تصمیم به مجرد می‌گرفته‌اند و دوم آنکه هیچگاه

¹⁰ Callimachus

خطری، سلامتی آنها را در صورت برقراری رابطه‌ی جنسی تهدید نمی‌کرده است. در حالی که در آپوکریفای اعمال پطرس نه تنها اختیار زنان نادیده گرفته شده است، بلکه برای جلوگیری از چنین رابطه‌ای، این زنان هستند که مورد آسیب قرار می‌گیرند. از این رو، پژوهشگران حوزه‌ی مطالعات فمینیسم، باید جایگاه زنان در این متن را سوای چهار متن دیگر مورد بررسی قرار دهند.

۲-۳-۱- دختر پطرس و دختر باغبان

بر اساس متن، در نخستین روز هفته که روز خداوند است، بیماران زیادی برای شفا یافتن نزد پطرس جمع می‌شدند. در آن میان شخصی با جسارت پرسید که چگونه است او می‌تواند هر کسی را شفا دهد اما دختر باکره‌اش که بسیار زیباست و در ایمان به خدا بزرگ شده است را شفا نمی‌دهد؟ پطرس در جواب بسیار خوش برخورد پاسخ داد که این کار برای خداوند ناممکن نیست و تنها به دلیل حکمتی که در آن است، دخترش را شفا نمی‌دهد. او برای اثبات سخنش، به دخترش فرمان داد که بدون کمک کسی بایستند و با عنایت عیسی مسیح به سمت او بیاید. دختر چنین کرد و مردم بسیار خوشحال گشتند، اما پطرس پس از اطمینان از اینکه مردم متقاعد شدند، از دخترش خواست که به بستر برگردد و در ناتوانی بماند. مردم از این اتفاق بسیار ناراحت شدند و اصرار ورزیدند که او را برای همیشه شفا دهد. پطرس حکمت پنهان در این ماجرا را برای ایشان بازگو کرد؛ خداوند هنگام تولد دخترش در مکاشفه‌ای به او گفته است که اگر دخترش در سلامتی کامل باشد به روح‌های بسیاری آسیب می‌زند. در آن هنگام پطرس آن مکاشفه را جدی نگرفت اما پس از سال‌ها، زمانی که دختر به همراه مادرش مشغول استحمام بود مردی به نام بطلمیوس او را دید و پیام فرستاد که او را به همسری بگیرد. ابتدا مادر دختر مخالفت کرد اما بطلمیوس اصرار ورزید. (در این قسمت از داستان دو صفحه مفقود شده اما به نظر می‌رسد که بطلمیوس دختر را می‌برد و دختر به اذن خدا فلج می‌شود.) خادمان بطلمیوس دختر را جلوی درب خانه پطرس گذاشتند و رفتند. پطرس و همسرش دختر را یافتند و به خانه آوردند و خدا را بابت اینکه او را از شرمساری نجات داده است شکر گفتند. از سوی دیگر بطلمیوس به خانه رفت و از اتفاقی که افتاده بود به شدت گریست به طوری که نابینا شد. هنگامی که درصدد بود که خود را حلق آویز کند، نوری عظیم تمام خانه را فرا گرفت و صدایی به او گفت که به خدا ایمان آورد، از عمل ناپسندی که انجام داده است توبه کند و نزد پطرس برود. او فوراً چنین کرده و تمام اتفاقاتی که بر افتاده است را برای پطرس تعریف کرد. سپس نور دیدگاه

ظاهر و باطنش بازگشت و در حالی که به عیسی مسیح ایمان داشت از دنیا رفت. او قطعه زمینی برای دختر پطرس به ارث گذاشت اما پطرس آن را فروخت و پولش را به فقرا اهدا کرد (Schneemelcher, 2003: 285-286).

از سوی دیگر، باغبانی بود که از پطرس درخواست کرد برایش دعا کند و پطرس از خدا خواست آنچه برای باغبان خیر است به او دهد، بلافاصله دختر باغبان مرد. باغبان که از حکمت این جریان خبر نداشت و تمنا کرد که دخترش زنده شود و خداوند اجابت کرد. اما مدتی بعد، شخصی با دختر رابطه برقرار کرده و با او دست به فرار زد (Schneemelcher, 2003: 287).

آنچه در ابتدا با داستان این دو دختر به ذهن خطور می‌کند، تاکید فراوان این متن بر اهمیت باکرگی است که در داستان تکلا نیز به آن توجه شده اما از نظر نگارنده‌ی این اثر، رابطه‌ی جنسی بدتر از بیماری و حتی مرگ است. بر خلاف زنان دیگر که در آپوکریفای اعمال رسولان نقش داشته‌اند، این دو دختر کاملاً منفعل ظاهر شدند. آنها هیچ اسمی ندارند، هیچ فعالیتی نمی‌کنند و هیچ صحبت و اظهار نظری نمی‌کنند. در ماجرای دختر پطرس، آن دختر هیچ نقشی در تصمیمی که پدرش برایش گرفته است، نداشت. پدر ترجیح می‌داد دخترش فلج بماند اما باکره باشد، در حالی توانایی شفای دخترش را داشت (Misset-van de Weg, 1998: 102-103). در داستان دوم، دختر عملا مایل به برقراری رابطه‌ی جنسی بود ولی نحوه‌ی بیان داستان به گونه‌ای مطرح گشت که پدر را مقصر می‌دانست چرا که دختر مرده بهتر از دختری است که تن به رابطه‌ی جنسی داده است. گرچه در مابقی داستان‌های اعمال رسولان توصیه بر باکرگی یا نداشتن رابطه‌ی جنسی بوده است، اما زنان در آن روایات خود دست به انتخاب زده بودند.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت چنین می‌توان گفت که به صورت کلی، چه مثبت و چه منفی، زنان در هر پنج آپوکریفا نقش پررنگی ایفا کردند. اما از آنجایی که مضمون آپوکریفای پطرس از چهار آپوکریفای دیگر متفاوت است، باید در نتیجه‌گیری این امر را در نظر گرفت. بنابراین، نخست شایسته است نقش زنان را در چهار آپوکریفای اعمال رسولان، یعنی اعمال پولس، آندریاس، یوحنا و فلیپ، بررسی کرد که در آنها زنان به نحو قدرتمندی ظاهر می‌شوند. زنان در این متون بر خلاف سایر متون رسمی و غیر رسمی مسیحی، نه تنها در حاشیه قرار نگرفتند بلکه تا حد زیادی با بروز توانایی‌های

خود از دوگانه‌انگاری مرسوم که به زن نقش تبعی داده و به او وجهی غیراصیل می‌بخشد، فاصله گرفتند. چنین زنانی با داشتن شخصیتی مستقل خود را تحت انقیاد و قیمومیت مردی نمی‌دانند. نکته مهم و برجسته آن است که این زنان پس از دریافتن ایمان از حالت انفعال خارج شدند. در واقع ایمان زنانه‌ی آنها، منجر به نوعی جسارت و توانمندی در ایشان شد تا یارای ایستادگی در برابر مردسالاری را بیابند زیرا آنها آزادگی خود را در ایمان به خدا یافتند. این زنان چه در وجه اجتماعی و چه در وجه دینی در جایگاهی پیشرو ظاهر شده و خواهان ایفای نقشی برابر با مردان در تمامی عرصه‌ها بوده‌اند. این امر تا آن اندازه قابل ملاحظه است که برخی از این زنان نیز در اموری مانند رهبری دینی، مقابله با ظلم و دستیابی به معنویت متعالی شجاعانه پیشی گرفتند. همچنین، باید این نکته را در نظر گرفت که عمل این زنان، زمانی که به لحاظ مالی، اجتماعی و دینی وابسته‌ی مردان بوده‌اند، خود جلوه‌ای از توانمندی زنان در شرایط نابرابر را به تصویر می‌کشد که به نسبت مردان کوششی مضاعف از ایشان می‌طلبد. می‌توان گمان کرد که این متون در راستای ابراز جریانی ضد مردسالاری نگاشته شدند تا از حضور زنان در جامعه مسیحی حمایت کنند.

با این همه، در مجموعه‌ی پنجگانه‌ی آپوکریفای اعمال رسولان، اعمال پطرس در وجهی متفاوت و حتی مخالف نگاشته شده است. در تمامی این متون بر باکرگی، عدم رابطه جنسی و مذمت فرزندآوری تأکید شده است، اما در چهار آپوکریفای دیگر این امور به خواست و اراده خود زنان و در جهت استقلال ایشان بوده است، درحالی که در آپوکریفای اعمال پطرس این آسیب مولفه‌ها به حد اعلا‌ی خود رسیده و اتفاقاً موجبات انقیاد بیشتر زنان را فراهم آورده و نتایج زیان‌باری را برای ایشان در پی دارد.

شاید بتوان در نهایت، با نظر به این دو رویه به این نتیجه دست یافت که نگارنده اعمال پطرس، برخلاف چهار متن آپوکریفای دیگر، نه تنها آنچنان دغدغه حضور و نقش پررنگ زنان را نداشته است، بلکه با این امر نیز مخالف بوده است و نسبت به نگرش نگارندگان دیگر به اینگونه واکنش نشان داده است. به هر روی، الهیدانان فمینیست در وجه دوگانه این مجموعه‌ی پنجگانه غفلت نورزیده و در بررسی‌های خود آن را مد نظر قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد که شایسته باشد برای رسیدن به نگاهی منصفانه‌تر، زنان را در این متون نه مطلقاً قهرمان و نه مطلقاً قربانی در نظر بگیریم. نگارندگان این

متون، تصویری از زنانی به دست داده‌اند که در آن زمینه در راستای رسیدن به مقصود خود فارغ از نتیجه‌ی نهائی، فراتر از زمینه مردسالار کوشش ورزیدند.

منابع

لگیت، مارلین (۱۴۰۰). *زنان در روزگارانیشان: تاریخ فمینیسم در غرب*، ترجمه‌ی نیلوفر مهدیان، تهران: نشر نی

References

- Allison, Dale, *Biblical Literature: New Testament*, in Encyclopedia of religion, second edition, Lindsay Jones (ed.), USA, Macmillan, 2005.
- Bolyki, Janos, *Miracle stories in the Acts of John*, The Apocryphal Acts of John, Ed. Bremmer, Jan, Kampen: Kok Pharos Publishing House, 1995.
- Bremmer, Jan, *Drusiana, Cleopatra, and Some Other Women in the Acts of John*, A Feminist Companion to the New Testament Apocrypha, 2006.
- Bremner, Jan, *Women in the Apocryphal Acts of John*, The Apocryphal Acts of John, Ed. Bremmer, Jan, Kampen: Kok Pharos Publishing House, 1995.
- Esther Yue L. Ng, *Acts of Paul and Thecla. Women's stories and precedent?*, The Journal of Theological Studies, Vol. 55, 2004.
- Fiorenza, Elisabeth, *Feminist Theology as a Critical Theology of Liberation*, Theological Studies, 1975.
- Klijn, Albertus, *The Apocryphal Acts of the Apostles*, Vigiliae Christianae, Vol. 37, 1983.
- Matthews, Shelly, *Thinking of Thecla: Issues in Feminist Historiography*, Journal of Feminist Studies in Religion, Vol. 17, 2001.
- Misset-van de Weg, Magda, *A wealthy woman named Tryphaena: patroness of Thecla of Iconium*, The Apocryphal Acts of Paul and Thecla, Ed, Jan Bremmer, Kampen: Kok Pharos Publishing House, 1996.

- Misset-van de Weg, Magda, *For the Lord always takes Care of His own'. The Purpose of the Wondrous Works and Deeds in the Acts of Peter*, The Apocryphal Acts of Peter: Magic, Miracles and Gnosticism, Leuven: Peeters Publishers, 1998.
- Prieur, Jean-Marc, Schneemelcher, Wilhelm, *The Acts of John*, New Testament Apocrypha, Vol. 2, Kentucky: John Knox Press, 2003.
- Schaferdiek, Knut, *The Acts of John*, New Testament Apocrypha, Vol. 2, Kentucky: John Knox Press, 2003.
- Schneemelcher, Wilhelm, *The Acts of Peter*, New Testament Apocrypha, Vol. 2, Kentucky: John Knox Press, 2003.
- Schneemelcher, Wilhelm, Kasser, Rodolphe, *The Acts of Paul*, New Testament Apocrypha, Vol. 2, Kentucky: John Knox Press, 2003.
- Strain, Janna, *This I Say not as One Doubting: Traditions of the Apostle Thomas from the Beginning of the Common Era through 800 CE*, Honors Projects. Paper 22, 2013.
- Wehn, Beate, *Blessed are the Bodies of those who Are Virgins: Reflections on the Image of Paul in the Acts of Thecla*, Journal for the Study of the New, Vol. 23, 2001.